

ترامپ با شعار «صلح از طریق قدرت» دشمن اصلی استقلال ملت‌هاست

دبیر شورای عالی امنیت ملی صبح امروز در همایش «ما و غرب؛ در آرا و اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای» با تأکید...



دبیر شورای عالی امنیت ملی صبح امروز در همایش «ما و غرب؛ در آرا و اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای» با تأکید بر اینکه رئیس‌جمهور فعلی آمریکا با شعار «صلح از طریق قدرت»، در واقع دشمن اصلی استقلال ملت‌هاست، گفت: او می‌کوشد قواعد بین‌المللی را برهم زند و قدرت را جایگزین قانون کند. معنای این تفکر آن است که کشورها یا باید تسلیم شوند یا آماده جنگ باشند؛ همان سیاستی که قرن‌هاست غرب دنبال کرده و ترامپ تنها آن را آشکار کرده است.

به گزارش خبرنگار ایکن، علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در همایش «ما و غرب؛ در آرا و اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای» که صبح امروز، دوشنبه ۱۹ آبان در مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما برگزار شد، با بیان اینکه فهم رابطه ما و غرب از طریق شعار «صلح از طریق قدرت» که آمریکا سر می‌دهد، بهتر از هر زمان دیگری قابل درک است، اظهار کرد: در سال‌های اخیر بارها دیده‌ایم که غرب و به‌ویژه آمریکا صلح را از مسیر قدرت طلبی دنبال می‌کنند. زمانی غرب مدعی بود که بر علم و آزادی اندیشه تکیه دارد، اما نتیجه آن دو جنگ جهانی بود. اکنون که مسیر خود را آشکارتر کرده، مناسبات جهانی را به قدرت گره زده است.

وی با اشاره به سخن سعدی گفت: سعدی چه زیبا فرمود: رأی بی‌قوت مکر و فسون است و قوت بی‌رأی چهل و جنون. امروز جهان وارد عصر چهل و جنون شده است. روابط ایران و غرب؛ پرنوسان‌ترین تعاملات بین‌المللی

لاریجانی در بخش دیگری از سخنان خود با مروری بر پیشینه تاریخی روابط ایران و غرب افزود: در طول تاریخ، روابط ایران و غرب به دلایل مختلف، فراز و فرود بسیاری داشته که جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی را دربر می‌گرفت و شاید بتوان گفت از پرنوسان‌ترین تعاملات بین‌المللی به شمار می‌رود.

وی روابط ایران و غرب را در یک تقسیم‌بندی کلی به پنج دوره تاریخی تقسیم کرد و گفت: دوره نخست، دوره باستان است؛ زمانی که ایران با حکومت‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی اداره می‌شد و از تمدنی نیرومند برخوردار بود. در آن سوی جهان نیز غرب، تمدن‌های یونان و روم را داشت که از جنبه‌هایی قابل توجه بودند. در آن دوران، این دو قطب بزرگ تمدنی، کانون‌های اصلی قدرت جهانی محسوب می‌شدند.

لاریجانی افزود: از آنجا که ایران در آن دوران از اقتدار سیاسی و نظامی عظیمی برخوردار بود، غرب هیچ‌گاه نتوانست بر آن تسلط یابد. هرچند جنگ‌هایی میان دو طرف رخ داد، اما هیچ‌کدام منجر به سلطه‌پایدار غرب بر ایران نشد.

تعاملات فکری و فرهنگی ایران باستان و غرب

دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به تعاملات فکری و فرهنگی دو تمدن گفت: در دوره هخامنشی، میان ایران و یونان باستان هم تعامل فکری و هم برخورد نظامی وجود داشت. برخی مورخان معتقدند اندیشه‌های ایرانی و دینی از طریق هگمتانه به سوی یونان منتقل شد. افلاطون در آثار خود از امپراتوری ایران یاد کرده و گاه آن را ستوده و گاه بر آن ایراد گرفته است؛ بنابراین، روشن است که میان متفکران یونانی و دربار ایران ارتباطاتی وجود داشته است.

لاریجانی ادامه داد: برخی مفسران گرایش افلاطون به دو عالم مثال و محسوس را برگرفته از دوگانگی عالم مینوی و گیتی در اندیشه زرتشت می‌دانند. جنگ‌های ایران و یونان نیز نمادی از کشمکش میان دو تمدن بزرگ شرق و غرب بود. در عین حال، در آثار باقیمانده از متفکران یونانی، نشانه‌هایی از ارتباط دانشمندان آن سرزمین با امپراتوری ایران دیده می‌شود.

دبیر شورای عالی امنیت ملی، در ادامه سخنان خود به بررسی سیر تاریخی روابط ایران و غرب از دوران ساسانی تا صفویه پرداخت و گفت: دو قدرت بزرگ ساسانی و بیزانس در دو سوی جهان دارای تمدن بودند و با یکدیگر رقابت داشتند. در ابتدای

حکومت ساسانیان، یعنی از سال ۲۲۴ میلادی تا سقوط آنان در قرن هفتم میلادی، چندین جنگ میان ایران و بیزانس درگرفت که اغلب بر سر مناطقی مانند ارمنستان، بین النهرین و شام بود. امپراتوری های ساسانی و بیزانس یکدیگر را به عنوان دو قدرت هم سنگ به رسمیت می شناختند و میان آن ها گاه پیمان های صلحی بسته می شد که چند دهه دوام داشت.

وی افزود: رقابت دو امپراتوری تنها نظامی نبود، بلکه در حوزه تجارت نیز وجود داشت؛ هر دو می کوشیدند مسیرهای تجاری شرق به غرب را تحت کنترل بگیرند، مشابه آنچه امروز به عنوان جنگ کریدورها مطرح است. در کنار این، روابط علمی و فرهنگی نیز میان دو تمدن برقرار بود؛ کتاب های علمی در دو قلمرو به زبان یکدیگر ترجمه می شد و در زمینه هایی همچون هنر، معماری، فلسفه و پزشکی مراودات علمی جریان داشت. البته مذهب بیزانس مسیحیت بود و در مقابل، امپراتوری ساسانی بر پایه آیین زرتشت اداره می شد.

دبیر شورای عالی امنیت ملی ادامه داد: با طلوع اسلام، هر دو امپراتوری تحت تأثیر این تحول بزرگ قرار گرفتند. نکته مهم در این دوران آن بود که ایران، با وجود رقابت و درگیری با غرب، همواره استقلال خود را حفظ کرد؛ استقلالی که بر قدرت ساختاری متکی بود. نظام حکومتی ساسانیان نظامی قوی و منسجم بود و پیوند آن با مذهب زرتشت موجب تداوم اقتدار و انسجام اجتماعی می شد.

ظهور صفویه و احیای منزلت ایران در جایگاه یک امپراتوری بزرگ

وی سپس به دوره صفویه اشاره کرد و گفت: در قرن شانزدهم میلادی و هم زمان با تحولات فکری و علمی در غرب، ایران در دوره صفویه وارد مرحله ای تازه شد. صفویه توانست منزلت ایران را بار دیگر به جایگاه یک امپراتوری بزرگ بازگرداند؛ امپراتوری ای که این بار بر پایه حضور دانشمندان، علما و اندیشمندان استوار بود. قدرت در این دوره با علم و دانش همراه شد و شاه عباس صفوی با اکرام دانشمندان، بنیان فکری و علمی حکومت خود را تقویت کرد.

لاریجانی با تأکید بر اینکه صفویه علاوه بر قدرت علمی، از انسجام مذهبی و قدرت نظامی نیز برخوردار بود، اظهار کرد: امپراتوری عثمانی که هم زمان با صفویه وجود داشت، از نظر مذهبی و نوع قدرت با ایران تفاوت داشت و همین امر زمینه برخی کشمکش ها را فراهم می کرد. با این حال، صفویه با کشورهای اروپایی همچون پرتغال، اسپانیا، فرانسه و انگلستان روابط سیاسی، اقتصادی و علمی برقرار کرد. در حوزه سیاسی و نظامی، میان صفویه و اروپا کشمکشی وجود نداشت، بلکه نوعی همکاری برقرار بود؛ زیرا اروپا توان تسلط بر قدرت امپراتوری صفوی را نداشت.

وی با اشاره به روابط تجاری در آن دوران اظهار کرد: در آن زمان ایران یکی از بزرگ ترین تولیدکنندگان ابریشم بود و کمپانی هند شرقی برای خرید آن به ایران آمد و دفاتری در بندرعباس و اصفهان تأسیس کرد. فرش، ادویه و فلزات ایرانی نیز در اروپا محبوبیت داشت. در حوزه علمی و فنی نیز صفویان از تخصص اروپاییان در زمینه هایی چون توپ سازی، ساعت سازی، پزشکی و مهندسی بهره گرفتند.

دلایل استقلال ایران در عصر صفوی

لاریجانی تأکید کرد: ایران عصر صفوی با وجود مجاورت با امپراتوری عثمانی، به واسطه سه ویژگی کاملاً مستقل زیست: نخست، اتکای آن به علم و دانش؛ دوم، پیوند حکومت با تفکر دینی و آرای علمای دین که رابطه ای مستحکم میان حکومت و مردم برقرار می کرد؛ و سوم، اقتدار نظامی. این سه عامل موجب شد ایران در دوره صفویه، امپراتوری ای مقتدر و هم تراز با غرب باشد؛ امپراتوری ای که قدرت خود را از علم و ایمان می گرفت.

دبیر شورای عالی امنیت ملی اظهار کرد: اندیشمندانی نظیر هابز و لاک در مسیر دوران مدرن گام برداشتند و غرب از قدرت پیشرونده ای برخوردار شد، اما صفویه با تکیه بر علم، تقرب دینی و قدرت سیاسی، نگاه متفاوتی داشت و میان ایران و غرب نوعی موازنه ایجاد شد، نه سلطه غرب بر ایران. عامل پایداری حکومت صفویه استقلال فکری، اقتصادی و قدرت نظامی آن بود.

عوامل عقب ماندگی ایران از غرب در دوره قاجار

وی ادامه داد: در دوره قاجار نفوذ انگلستان و روسیه در امور داخلی ایران افزایش یافت و قراردادهایی مانند گلستان و ترکمانچای و امتیازاتی همچون توتون و تنباکو نشانه نگاه سلطه طلبانه غرب نسبت به ایران بود. استبداد، بی توجهی به علم و رشد اقتصادی، قاجار را در برابر توسعه پرشتاب غرب دچار ضعف کرد.

لاریجانی افزود: شاهان قاجار با سفرهای پرهزینه به اروپا تحت تأثیر ظواهر غرب قرار گرفتند و ضعف نظامی آنان موجب فرودستی ایران شد.

وی با اشاره به ابیاتی از اقبال لاهوری، گفت: غرب نه از لادینی، بلکه از علم و فن قدرت یافته است و جوان ایرانی باید به مغز و دانش متکی باشد نه ظواهر غربی.

تبدیل ایران از حکومت مستبد به مستبد وابسته به غرب در دوره پهلوی

دبیر شورای عالی امنیت ملی اظهار کرد: در دوران پهلوی، تسلط آمریکا و انگلیس بر دربار، نیروهای مسلح و ساختار کشور علنی تر شد و کودتای ۲۸ مرداد نماد آشکار این دخالت بود. اگر در دوره قاجار استبداد و عقب ماندگی حاکم بود، در دوره پهلوی استبداد وابسته به غرب جایگزین شد.

وی تصریح کرد: ایران پهلوی به طور کامل از غرب تبعیت می کرد و استقلال نداشت. خاطرات علم، وزیر دربار، گویای آن است که شاه حتی در تصمیم های مهم کشور تابع دستورالعمل های سفیران غربی بود. به رغم درآمد نفتی و قدرت نظامی، سرسپردگی به آمریکا و انگلیس و ستیز با دین، این حکومت را به ناپایداری کشاند و شکاف میان دولت و ملت را تعمیق کرد.

لاریجانی با بیان اینکه «دوران پهلوی از سیاه ترین دوران های وابستگی در تاریخ ایران است»، گفت: یکی از دلایل اصلی وقوع انقلاب اسلامی، تحقیرشدگی ملت ایران توسط غرب بود. مردمی با پیشینه تمدنی و فرهنگی غنی نمی توانستند پذیرای حکومتی باشند که در برابر چند سفیر غربی خضوع می کرد.

تغییر بنیادین ایران پس از انقلاب اسلامی

وی با اشاره به تغییر بنیادین ایران پس از انقلاب اسلامی افزود: ایران در عصر انقلاب، جهت خود را تغییر داد و نسبت خود با غرب را بر پایه عقلانیت و سنجش تنظیم کرد. رهبران انقلاب همچون امام خمینی(ره)، مقام معظم رهبری، شهید مطهری و شهید بهشتی، با نگاهی فلسفی و عقل گرایانه، چارچوبی برای تعامل متوازن با غرب ترسیم کردند.

لاریجانی ادامه داد: انقلاب اسلامی تعامل علمی و فناورانه با غرب را پذیرفت و از آن استقبال کرد، چرا که این تعامل به رشد جامعه می انجامید. در چهار دهه گذشته، اساتید و دانشمندان ایرانی با مراکز علمی غربی در ارتباط بوده اند و این مسیر، همواره مورد تأکید رهبران انقلاب بوده است.

وی تأکید کرد: هرچند غرب در مقاطعی مانند دوران جنگ تحمیلی، مسئله هسته ای و حقوق بشر محدودیت هایی برای ایران ایجاد کرده است، اما انقلاب اسلامی توانسته است با رویکردی مستقل و واقع بینانه، تعامل خود را با غرب در چارچوب منافع ملی سامان دهد.

لاریجانی در بخش دیگری از سخنان خود در این همایش به ظرفیت عظیم علمی کشور در حل مسائل داخلی و تولیدات ملی اشاره کرد و گفت: البته مسیر همکاری میان نخبگان دانشگاهی و بخش های مختلف اجرایی کشور همچنان هموار نشده و همین امر مانع بهره برداری درست از توان علمی کشور شده است.

وی افزود: رابطه تجاری ایران و غرب پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سطح بالایی وجود داشته و شاید بتوان گفت که در مقاطعی، غرب نخستین شریک تجاری ایران به شمار می رفته است. این پیوند اقتصادی، ریشه در ساختار ارتباطات بازرگانی گذشته میان ایران و کشورهای غربی داشت.

رهبران جمهوری اسلامی هیچ گاه دشمنی ذاتی با غرب نداشتند

لاریجانی بیان کرد: با وجود تمام فراز و فرودها، مبنای سیاست جمهوری اسلامی ایران قطع رابطه تجاری با غرب نبوده است، بلکه معیار اصلی، حفظ و رعایت منافع ملی کشور بوده است. به همین دلیل، ضمن گسترش روابط اقتصادی با کشورهای

اسلامی و همسایگان، همکاری های تجاری با کشورهای غربی نیز ادامه یافته، هرچند میزان آن بسته به شرایط سیاسی و امنیتی متغیر بوده است.

وی تأکید کرد: رهبران جمهوری اسلامی هیچ گاه عناد و دشمنی ذاتی با غرب نداشتند اما رفتار سلطه جویانه و مداخلات سیاسی و امنیتی غرب، موجب بحران در همکاری ها و کاهش سطح روابط شده است.

رفتار دوگانه غرب با ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی

لاریجانی با اشاره به رفتار دوگانه غرب با ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی گفت: وقتی غرب به جای احترام به انقلاب اسلامی، دوباره به دنبال مسئله سازی و بحران آفرینی داخلی و خارجی برای ایران رفت، ملت ایران را به عکس العمل واداشت.

وی افزود: ملتی که تازه از یوغ ستم شاه رهایی یافته و تصمیم به ایجاد نظامی مستقل برای آبادانی کشور داشت، با حرکت های تخریبی غرب مواجه شد. آمریکا و متحدانش انتظار داشتند بار دیگر با شعار دیگری استقلال ملت ایران را سرقت کنند، اما با نهیب و مقاومت امام خمینی(ره) روبرو شدند.

سلطه طلبی؛ ریشه اصلی هشدارهای رهبری نسبت به آمریکا غرب

لاریجانی اظهار کرد: گاه در داخل کشور شنیده می شود که چرا مقام معظم رهبری نسبت به آمریکا و غرب هشدار می دهند اما دلیل این هشدارها تسلط طلبی غرب است. در حالی که رهبری چه در حوزه اقتصادی و چه در تعاملات علمی، همواره موافق کار و ارتباط با غرب و شرق بوده اند اما هنگامی که آمریکا از مسیر اقتصاد، فرهنگ و در نهایت قدرت نظامی، همان گونه که در جنگ اخیر آشکار شد، به دنبال استیلا بر ایران رفت، رهبری با قدرت در برابر این حرکت ردیلا نه ایستادند و ملت ایران نیز با استواری در کنار ایشان از استقلال کشور صیانت کردند.

وی با تأکید بر اینکه مسئله هسته ای بهانه ای بیش نبود، گفت: امروز کاملاً روشن است که هدف واقعی آمریکا و غرب، مبارزه با ملت ایران است. همان گونه که پس از جنگ اخیر نیز درباره توان موشکی و نقش منطقه ای ایران خواستار محدودیت هایی می شوند؛ در حالی که این موضوع به آنان ارتباطی ندارد. آیا آنان می پذیرند که ایران درباره برد موشک ها یا سلاح های هسته ای اروپا نظر دهد؟

لاریجانی تصریح کرد: اینجاست که دو مسیر از هم جدا می شود؛ یک مسیر که دنبال سلطه و برتری طلبی بر شرق و سایر ملل است و مسیر دیگر که بر پایه روابط متوازن و عزتمندانه شکل می گیرد؛ ایران نه سلطه جو است و نه زیر بار سخنان بی پایه می رود.

تبادلات فرهنگی ایران با غرب و شرق پس از انقلاب

رئیس پیشین مجلس به تبادلات فرهنگی ایران با غرب و شرق پس از انقلاب اشاره کرد و گفت: این تبادلات هیچ گاه قطع نبوده است اما رهبران انقلاب اسلامی همواره تأکید داشتند که تعامل فرهنگی باید بر پایه فایده مندی و تعالی بخشی باشد. انقلاب اسلامی هیچ مخالفتی با عناصر مترقی فرهنگ غرب مانند قانون گرایی، نظم پذیری و توجه به محیط زیست نداشته است؛ محل نزاع در دو عرصه بوده است: نخست جایی که غرب تبادل فرهنگی را بستری برای تهاجم فرهنگی قرار داد. مقام معظم رهبری دهه ها پیش نسبت به تهاجم فرهنگی غرب هشدار دادند، گرچه برخی آن زمان این موضوع را جدی نگرفتند اما گذر زمان نشان داد که غرب واقعاً به دنبال جریان سازی فرهنگی و سلطه بر ذهن و هویت ملت هاست. علت آن نیز تلقی برترپندارانه غرب از فرهنگ خود و بهره مندی از ابزار تکنولوژیک برای تسلط فکری و فرهنگی است. چنین استیلائی مقدمه سلطه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی خواهد بود.

لاریجانی با اشاره به شعر اقبال لاهوری گفت: «آه از افرونگ و از آیین او، آه از اندیشه لادین او، علم حق را ساحری آموختند، ساحرین نی کافری آموختند». امروز برخی از اندیشمندان پست مدرن غربی اذعان دارند که در عصر جدید، حقیقت و کشف واقعیت جای خود را به روایت هایی داده است که قدرت و تکنولوژی می سازند؛ حتی در علم نیز، سلطه قدرت ها نقش تعیین کننده دارد.

وی با اشاره به دیدگاه های فیلسوفان منتقد غرب گفت: فوکو نقش شرکت های چندملیتی و قدرت های اقتصادی را در شکل دادن به اندیشه جامعه تعیین کننده می داند. همچنین یکی از فلاسفه فرانسوی می گوید غرب همواره با ساکنان خاورمیانه

همچون موجوداتی مادون انسان برخورد کرده است. فرانتس فانون نیز استعمار را نه تنها در غارت منابع، بلکه در استعمار ذهن و هویت ملت‌ها می‌داند و ادوارد سعید در کتاب «شرق‌شناسی» نشان می‌دهد چگونه غرب با ساخت تصویری تحقیرآمیز از شرق، سلطه فرهنگی و سیاسی خود را توجیه کرده است.

لاریجانی تأکید کرد: رهبران انقلاب اسلامی در کنار نقد سلطه فرهنگی غرب، به گنجینه عظیم فرهنگ ایرانی - اسلامی نیز توجه ویژه داشتند، فرهنگی که در بسیاری از عرصه‌ها از فرهنگ امروز غرب برتر است. غربی که به تعبیر هایدگر، انسان را به جایی کشانده است که دیگر با پرسش‌های بنیادین هستی مواجه نمی‌شود.

نقش عرفان اسلامی در پیوند شرق و غرب

دبیر شورای عالی امنیت ملی، با اشاره به نقش عرفان اسلامی در پیوند شرق و غرب گفت: عرفا فضای جدیدی در فرهنگ جهانی پدید آوردند. شاعر بلندآوازه آلمانی، گوته، چنان مجذوب تفکر و اندیشه حافظ بود که با مطالعه دیوان او، «دیوان غربی - شرقی» را به عنوان ادای احترام به حافظ نوشت. گوته، حافظ را قرین روحی خود می‌دانست و از نگاه عرفانی و سبک شعری او تأثیر بسیاری گرفت.

وی افزود: آنه ماری شیمل، اسلام‌شناس مشهور آلمانی معتقد بود مولوی پلی میان شرق و غرب ایجاد کرد و عرفان او می‌تواند معنویت را در دنیای مدرن احیا کند. بر همین اساس، شناخت و صیانت از میراث فرهنگی و چنین سرمایه عظیمی، مسئولیت نسل امروز و فرداست. تأکید رهبر معظم انقلاب بر فرهنگ اصیل و تکیه جامعه بر آن نیز از همین روست؛ چرا که حتی اندیشمندان غربی به غنای فرهنگی ایران اذعان دارند.

ترامپ سیاست سلطه طلبانه غرب را آشکار کرده است

دبیر شورای عالی امنیت ملی در ادامه به مسئله سلطه طلبی سیاسی و امنیتی غرب اشاره کرد و گفت: ریشه این سلطه طلبی به چند قرن اخیر بازمی‌گردد و رهبران انقلاب اسلامی همواره از آن بیزار بوده‌اند. اساس انقلاب اسلامی، بر کندن ریشه همین سلطه استوار است. شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بیانگر همین حقیقت است؛ چراکه اگر استقلال نباشد، آزادی نیز معنا نخواهد داشت و فرهنگ و اقتصاد هم استوار نمی‌ماند.

وی تصریح کرد: در منطق فکری شهید مطهری، جامعه دارای حیثیت روحی مستقل است و استقلال، از فطریات روح جمعی ملت‌ها به شمار می‌رود. با این حال، در سیاست جهان معاصر، مستقل زیستن کار ساده‌ای نیست؛ زیرا همان کشورهای که از حقوق بشر و صلح دم می‌زنند، مانع اصلی استقلال دیگران اند.

لاریجانی ادامه داد: رئیس‌جمهور فعلی آمریکا با شعار «صلح از طریق قدرت»، در واقع دشمن اصلی استقلال ملت‌هاست. او می‌کوشد قواعد بین‌المللی را برهم زند و قدرت را جایگزین قانون کند. معنای این تفکر آن است که کشورها یا باید تسلیم شوند یا آماده جنگ باشند؛ همان سیاستی که قرن‌هاست غرب دنبال کرده و ترامپ تنها آن را آشکار کرده است.

به گفته وی، نتیجه این سیاست، گسترش هرج و مرج بین‌المللی است؛ چنان که جنگ عراق بدون مجوز شورای امنیت رخ داد و همین مسیر در قبال ایران نیز در پیش گرفته شد. اکنون رژیم صهیونیستی، دست پرورده آمریکا، همان شعارهای هرج و مرج طلبانه را تکرار می‌کند. اما تاریخ نشان داده است که هرج و مرج در نهایت دامن سازندگان خود را می‌گیرد؛ همان گونه که آمریکا داعش را ساخت و سپس گرفتار آن شد.

لاریجانی با اشاره به جنگ اخیر افزود: قدرت ملت ایران و صلابت نیروهای مسلح، دشمنان را به عقب نشینی واداشت و آنان را به سرعت به جمع بندی و پایان دادن به جنگ سوق داد. نیروهای مسلح امروز با وجود برخی کاستی‌ها، با قدرت از ملت دفاع می‌کنند.

وی بیان کرد: هرگز چهره آمریکا و رژیم صهیونیستی تا این حد نزد افکار عمومی جهان پلید و منفور نبوده است. اقدامات اخیر آنان پرده از سرشت استعماری‌شان برداشت. برژنسکی سال‌ها پیش از یک شاعر سنگالی یاد کرده بود که استعمار را چنین توصیف می‌کند: «وقتی تمدن بر چهره ما لگد زد، نمی‌دانستیم خون ما زیباترین است؛ لاشخورها در سایه چنگال‌هایشان بنای یادبود خون‌آلود قیومیت ما را ساختند.»

وی افزود: امروز خشم ملت‌ها نسبت به آمریکا و غرب چند برابر شده است. وقتی عرصه بین‌المللی به صحنه جنگ بدل می‌شود،

شود و قدرت جای منطق را می گیرد، چاره ای جز اتحاد و قدرت جمعی برای حفظ استقلال وجود ندارد.

نقش پررنگ رهبری در سه روز نخست جنگ ۱۲ روزه

دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به رویکرد فریبکارانه آمریکا در مذاکرات گفت: هدف آنان از مذاکره، مصالحه عادلانه نیست، بلکه تسلیم سازی است. مگر ایران در حال مذاکره نبود که آمریکا هم زمان با آن جنگ به راه انداخت؟ آیا ننگی بالاتر از این هست که رئیس جمهور آمریکا علناً بگوید «من به ملت ایران کلک زدم»؟

وی یادآور شد: در همان روزهای نخست جنگ، دشمنان با فشار نظامی و تبلیغات گسترده تلاش کردند مردم را ناامید کنند، اما رهبر معظم انقلاب با صلابت و اطمینان، با مردم سخن گفتند و نوید شکست دشمنان را دادند. امروز ملت ایران با تکیه بر استقلال، ایمان و مقاومت، در برابر سلطه طلبی غرب ایستاده است.

علی لاریجانی در ادامه اظهار کرد: رهبر معظم انقلاب صحنه جنگ را لحظه به لحظه کنترل می کردند و دستورات لازم را صادر می نمودند، به گونه ای که تقریباً همه وقت ایشان مصروف جنگ و تأمین نیازهای مردم بود.

وی افزود: سه روز نخست جنگ از پرحادثه ترین روزها بود اما طراحی فرماندهی کل قوا چنان دقیق و هوشمندانه بود که صحنه نبرد تغییر کرد. فرماندهی ایشان مستقیم، استوار و دقیق بود؛ با تک تک فرماندهان میدانی تماس داشتند و چگونگی واکنش ها را تدبیر می کردند.

لاریجانی با بیان اینکه تدبیر رهبر معظم انقلاب همه عرصه ها را دربر می گرفت، گفت: توجه به جنگ، پشت جبهه، تدارکات و به ویژه تأمین نیازهای مردم که مبادا در معیشت آنان خللی وارد شود، همگی با راهبری ایشان مدیریت شد. به لطف الهی، این مرد الهی و ملت نصح ایران یاری شدند و صحنه جنگ دگرگون گشت.

جهان در جنگ ۱۲ روزه همبستگی ملت ایران را فهم کرد

وی ادامه داد: صحنه جنگ، صحنه ای وسیع و پرشتاب بود و به همان میزان، صلابت ملت و همبستگی آنان نشاط آفرین و عزت بخش بود. یکی از رهبران منطقه گفته بود «جهان، همبستگی ملت ایران را فهم کرد»؛ چرا که ملت ایران در آن دوران، هویت ایرانی و اسلامی خود را که گوهری مستور از دیر اغیار بود، به رخ کشید و پرده تبلیغات غبارآلود غرب را درید.

دبیر شورای عالی امنیت ملی تأکید کرد: ملت ایران به سنت قدسی خود «یا علی» گویان در برابر ستم آمریکایی و صهیونیستی ایستاد. روزگاری هگل گفته بود تاریخ از شرق و مشخصاً از ایران آغاز می شود و ملت ایران در عصر انقلاب اسلامی بار دیگر در جنگی نابرابر، حقیقت استقلال خواهی و هویت ملی خود را به جهانیان نشان داد.

وی با اشاره به ضرورت حفظ وحدت ملی گفت: امروز انتظار ملت ایران از سیاستمداران این است که قدر این اراده ملی را بدانند و با مواضع و سخنان غیرضروری، شکاف در صفوف ملت ایجاد نکنند.

لاریجانی در پایان تصریح کرد: امروز غرب به جای دانایی از قدرت دم می زند، در حالی که ایران از فکر هویت ملی و استقلال واقعی سخن می گوید. ایران نه سلطه طلب است و نه استقلال خود را در معرض معامله قرار می دهد؛ حتی اگر به رویارویی تمام عیار بینجامد، با قدرت در برابر وحشی گری مدرن خواهد ایستاد. کلید تغییر در دست غرب است؛ اگر از تسلط طلبی دست بردارد، شرایط عوض خواهد شد، وگرنه تهدیدات آمریکا هرگز اراده ملت ایران را نخواهد شکست.